

ندارائفی پوز کیبست؟

### واریز پول به حساب یک زن اوکراینی از موسسه رائفی پور

جلیل محبی، عضو مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دبیر پیشین ستاد امر به معروف و نهی از منکر، اخیرا اطلاعات حساب‌های بانکی موسسه مضاف – متعلق به علی اکبر رائفی پور– را منتشر کرده است. طبق اسناد افشا شده، ده‌ها میلیارد تومان پول به حساب این موسسه و برخی افراد واریز شده است. آنگونه که «عصرایران» روایت کرده، اینکه این واریزها و روند مالی موسسه، قانونی بوده یا خیر، موضوع بحث حاضر نیست بلکه از زاویه‌ای دیگر و البته مختصر و ان شاء… مفید بدان می‌پردازیم. بعد از این افشاجاری، رائفی پور، با انتشار ویدئویی، به اتهامات منتشر شده پاسخ داد و به قول خودش شفاف‌سازی کرد. اصل این کار، پسندیده است خاصه آنکه به سرعت انجام شد. رائفی پور در پاسخ خود، گفت که موسسه مضاف، شخصی است و از اینکه برخی افراد اطلاعات حساب‌های موسسه او را افشاکرده‌اند به شدت انتقاد کرد و در عین حال توضیحاتی درباره درآمد و هزینه‌های موسسه داد. از جمله اینکه گفت این موسسه با کمک‌های مردمی اداره می‌شود و فعالیت‌هایی مانند راه‌اندازی موبک‌اربعین و اداره مدرسه دارد. او مکررا تأکید کرد که چون در قبال پول‌هایی که خیرین به حساب موسسه شخصی وی برای فعالیت‌های عام‌المنفعه احساس مسئولیت شرعی می‌کنند و خودش هم حسابداری خوانده است، دقت بسیار زیادی دارد که حتی یک ریال در جایی جز نیت شرعی خیرین صرف نشود و مثال زد که اگر کسی پول داده که برای اربعین برنج خریداری شود، آن پول را تا رسیدن اربعین نگه می‌دارند و جای دیگری خرج نمی‌کنند تا مبادا خلاف شرعی رخ بدهد. او در مثال دیگری برای اثبات دقت‌اش در هزینه‌کردهای موسسه اظهارکرد که در شب‌های انتخابات، نیروهای موسسه که کار انتخاباتی می‌کردند، از پول موسسه شام نخوردند و از جای دیگری هزینه شام آنها حساب شد. حالا که ایشان تصریح دارد به اینکه پول‌های موسسه را خیرین می‌دهند و محل مصرف هر کدام از آنها نیز مشخص است و در عین حال می‌گوید که آماده شفاف‌سازی است، جا دارد درباره موضوع مهمی که در ویدئوی منتشره بدان‌ها نپرداخته است، توضیح دهد و شفاف‌سازی کند. طبق آنچه در اسناد منتشره آمده و ما از صحت و مقوم‌شان خبر نداریم ولی رائفی پور نیز برغم انتشار عمومی تکذیب‌شان نکرده و فقط از منتشرکنندگان و بانک مرکزی به خاطر لوفتن این اطلاعات انتقاد کرده، موسسه مضاف، پول‌های قابل توجهی به حساب افراد خاصی واریز کرده است که جا دارد اولاً درباره اصل این واریزها، نفیا یا اثباتا توضیح دهد و ثانیاً در صورت صحت این واریزها، علت آنها را نیز از باب شفاف‌سازی – که بدان تأکید دارد– بیان کند. در این جا فقط چند نمونه از واریزی‌ها را مطرح می‌کنیم و انتظار پاسخ به افکار عمومی داریم: ۱– طبق یکی از اسناد ادعایی،

نزدیک ۱۴ میلیارد تومان به حساب امیرحسین رائفی پور واریز شده است. منتشرکنندگان می‌گویند او برای علی اکبر رائفی پور است. احتمال اینکه نیت خیرین از کمک به موسسه علی اکبر رائفی پور، واریز مبالغ به حساب امیرحسین رائفی پور باشد، بسیار اندک است و جا دارد توضیح داده شود که ماجرای واریز این مبلغ کلان به حساب برادر رئیس موسسه چیست؟ ۲ – طبق سند دیگری، ادعا شده مبلغ ۱۴۵ میلیون تومان به حساب خاتمی به‌نام روح‌صفرپور واریز شده است. او همان زنی است که در انتخابات ۱۱ اسفند بدون حجاب سر صندوق رای حاضر شد و رای داد و سپس به دیدار رائفی پور رفت. از او در رسانه‌ها به عنوان خورشید خانم یاد شده است. انتظار است رائفی پور که می‌گوید به حدی مقید است اگر خبری پوئی برای خرید دو کیلو پیاز جهت موبک داده، آن را در همان هدف خرج کند، توضیح دهد کدام خیری ۱۴۵ میلیون تومان به نیت دادن به خورشید خانم در اختیار مضاف قرار داده است. ۳– از فردی به‌نام علی بطرفان توثیقی منتشر شده که دران نوشته است: از کسی خواستم وری فلش آهنگ‌های جدید زد بازی برایم بریزد و او میان آهنگ‌ها دو تا سخنرانی از رائفی پور برایم ریخت و گوش دادم و فرمایش از او خواستم هر چه سخنرانی از او دارد برایم بریزد. کاری به راست یا دروغ بودن این ماجرا نداریم ولی در میان افرادی که پول‌های میلیونی از موسسه مضاف گرفته‌اند نام بطرفان نیز با رقم ۵۴ میلیون تومان دیده می‌شود. قصه

این استاد گفتن و آن پول گرفتن چیست؟ آیا خیرین در کنار پول برنج و پیاز برای موبک، برای این موارد هم نذر خاص دارند؟ ۴ – در همان سند نام ندا رائفی پور نیز که ۵۰ میلیون تومان گرفته است، دیده می‌شود. مردمی که به قول رائفی پور هزینه‌های موسسه او را به نیت کار خیر پرداخت می‌کنند، حق دارند بپرسند این خانم کیست و چه نسبتی با رئیس موسسه دارد و چرا این مبلغ به حساب او واریز شده است؟ ۵ – در یکی از اسناد آمده است که خانمی اوکراینی به‌نام الونا واشچنکو معروف به طاهره واشچنکو که ادعا می‌شود شیعه شده، چندین مرتبه از موسسه پول گرفته است. اگر چنین است، رائفی پور علت این واریزها را هم مشخص کند، جای دوری نمی‌رود.

<b>دوشنبه</b>	سال هفتم
<b>۲۴ • ۰۲ • ۱۴۰۳</b>	شماره ۱۸۸۸
۰۴ ذی‌القعده ۱۳ / ۱۴۴۵ ه‍.ش	۲۰۲۴

احتمال تایید صلاحیت روحانی برای ریاست جمهوری هست؟

# این روزهای سخت حسن روحانی

◀ شاید ائتلاف انتخاباتی روحانی و خاتمی شکل بگیرد



بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل نهاد شورای عالی امنیت ملی، سمت نمایندگی مقام معظم رهبری را در این شورا تا سال ۱۳۹۲ که به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب شد، در اختیار داشته و به مدت ۱۶ سال (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴) در دوره‌های ریاست جمهوری آیت‌ا… هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی دبیر شورای عالی امنیت ملی بود. حسن روحانی از سال ۱۳۷۰ به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمد و از دوره سوم مجلس خبرگان رهبری به‌عنوان نماینده مردم استان‌های سمنان و تهران، در این مجلس حضور دارد اما برای انتخابات خبرگان اسفند سال گذشته ردصلاحیت شد.

#### ◀ روحانی چه خواهد کرد؟

اکنون روحانی چه مسیری را طی خواهد کرد؟ او مانند آیت‌ا… هاشمی نیست که وقتی ردصلاحیت شد دارای قدرت تاثیرگذاری زیادی بر جامعه باشد و در معادلات سیاسی و بین‌المللی تاثیرگذار باشد. مانند خاتمی هم نیست که از حامیان زیادی برخوردار باشد و بتواند در کش‌های سیاسی جامعه تاثیرگذاری داشته باشد. روحانی به خوبی می‌داند اکنون از جایگاهی که حتی قبل از ریاست جمهوری داشت هم برخوردار نیست و تاثیرگذاری او کم‌رنگ شده است. حتی محسن هاشمی با گفتن این جمله به «آرمان ملی» که روحانی هیچگاه نمی‌تواند نقش آیت‌ا… هاشمی را ایفا کند، شرایط شخصیت سرخ‌های در این مقطع را یادآور شد. برخی معتقدند حسن روحانی برای ریاست جمهوری سال ۱۴۰۴ به میدان خواهد آمد که این فرضیه از چند جهت قابل بررسی است. نخست آنکه اوسعی داشت تعدادی از اعضای

کارشناسان در گفت وگو با «آرمان ملی» تأکید کردند:

## چرایی کاهش مشارکت مردم در انتخابات

◀ هدایت ا… آقایی: رودر بایسی‌ها را کنار گذاشتند

◀ ناصر ایمانی: در سراسییبی قرار داریم که آرای مردم را از دست می‌دهیم

عدم مشارکت رانیز بشنوند.

◀ **برخی جریانات اهتمام کافی به میزان مشارکت و خواست مردم ندارند**

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص انتخابات اخیر و مساله مشارکت بیان کرد: نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت. مساله مشارکت با تأکیدی که مقام معظم رهبری دارند مساله بسیار با اهمیتی است. ایشان بارها در مورد مشارکت با تعابیر خاصی تأکید کردند. ناصر ایمانی به «آرمان ملی» گفت: شاید بشود گفت که ایشان مساله مشارکت را از نتیجه انتخابات نیز با اهمیت‌تر می‌دانند. به اینک نتیجه انتخابات مهم نیست، اما شاید در نظر ایشان مساله مشارکت از نتیجه انتخابات با اهمیت‌تر است که حتی مخالفان را به حضور در پای صندوق‌های رای دعوت می‌کنند. می‌تصور می‌کنم شاید در دیدگاه برخی از افراد و یا جریان‌های فکری که شاید در دولت هم باشند مساله مشارکت قطعاً به پرنرنگی دیدگاه رهبری نیست و تا این حد اهمیت نمی‌دهند. وی ادامه داد: این موضوع نه فقط در دولت که در سایر دستگاه‌های حاکمیتی نیز وجود دارد که بیشتر به نتیجه اهمیت می‌دهند تا به مشارکت. یعنی اگر نتیجه مطلوب باشد و مشارکت پایین باشد شاید خیلی برای بعضی‌ها پر اهمیت نیست. در حالی‌که دیدگاه رهبری نظام درست عکس این است. ایمانی اظهار کرد: به تعبیر دیگر شاید برخی جریانات فکری این مساله را که مجموعه دولت و حاکمیت به این نتیجه رسیده‌اند که خیلی برای این کار هزینه نکنند و به لحاظ نیروهایی که خالص اطرافشان هستند یک جای پای مطمئن داشته باشند. جوسازی‌های صورت گرفته چه بیشتر و کمتر برایشان فرقی نمی‌کند. این تصویری است که ایجاد شده و پاسخ شفافی به تمام سوالات در خصوص میزان مشارکت می‌دهند. وی افزود: موضوع جالب‌تر اینکه به نظر می‌رسد کتمان واقعیت‌ها در قالب مطالب غیرواقعی مثل اینکه مشارکت ۸ درصدی مردم را حضور حماسی بدانند تئوری است که گاه با آن کار می‌کنند.

لذا به نحوی احساس می‌شود که خیلی عریان مسائل را کتمان می‌کنند. آقایی بیان کرد: فکر می‌کنم این دگردیسی ایجاد شده و اگر گوش شنوایی باشد باید هشدارهای این یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در ارتباط با مساله مشارکت و انتخابات گذشته اظهار داشت: به نظر می‌رسد که در چند سال اخیر اتفاقی افتاده که دولت همه رودر بایستی‌های قبل رانکار گذاشته است. یعنی موضوعاتی مثل میزان مشارکت که اهمیت داشت و حساسیت‌نشان می‌دادند وسیعی نمی‌کردند حداقل در ظاهر هم که شده موضوعاتی را به نحوی پیش ببرند که میزان مشارکت کم نشود. هدایت ا… آقایی به «آرمان ملی» گفت: در سال‌های اخیر اینگونه احساس می‌شود که دولت و حاکمیت به این نتیجه رسیده‌اند که خیلی برای این کار هزینه نکنند و به لحاظ نیروهایی که خالص اطرافشان هستند یک جای پای مطمئن داشته باشند. جوسازی‌های صورت گرفته چه بیشتر و کمتر برایشان فرقی نمی‌کند. این تصویری است که ایجاد شده و پاسخ شفافی به تمام سوالات در خصوص میزان مشارکت می‌دهند. وی افزود: موضوع جالب‌تر اینکه به نظر می‌رسد کتمان واقعیت‌ها در قالب مطالب غیرواقعی مثل اینکه مشارکت ۸ درصدی مردم را حضور حماسی بدانند تئوری است که گاه با آن کار می‌کنند. لذا به نحوی احساس می‌شود که خیلی عریان مسائل را کتمان می‌کنند. آقایی بیان کرد: فکر می‌کنم این دگردیسی ایجاد شده و اگر گوش شنوایی باشد باید هشدارهای این نگران‌کننده است.

# آرمان ملی

armanmeli.ir

# سیاست ۳

گزارش

ظرفیت‌های تغییر خط‌مشی هسته‌ای ایران

**چه پیام مهمی از تهران صادر شد؟**

سیدکمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران به تازگی در مصاحبه‌ای با الجزیره مباشر به ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای پرداخته و گفت: «ایران ظرفیت تولید بمب هسته‌ای را دارد، اما ایران تصمیمی برای تولید بمب هسته‌ای ندارد.» اسفند سال گذشته نیز علی اکبر صالحی وزیر خارجه دولت دهم و رئیس سازمان انرژی اتمی در دولت یازدهم و دوازدهم با اشاره در توصیف توانمندی‌های نظامی ایران در حوزه هسته‌ای «بمب اتم را با خودرویی تشبیه کرد که ایران قطعاًتش را دارد، اما برای امور دیگری استفاده می‌کند» مقامات کشورمان همواره در مواجهه با ورود ایران به ابعاد نظامی صنعت هسته‌ای و توانایی ایران برای ساخت بمب اتم به مبانی شرعی حرمت استفاده و کاربرد عملی از این سلاح استناد کردند. در فتوای هسته‌ای رهبر انقلاب که در نخستین کنفرانس بین‌المللی «خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه» در فروردین ۸۹ منتشر شد و پس از آن به‌صورت رسمی در سازمان ملل هم ثبت شد، آمده است «که ما علاوه بر اعتقاد به حرمت سلاح هسته‌ای، کاربرد «دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی را نیز… حرام می‌دانیم.» اما آنچه بعد از جنگ غزه و با شدت یافتن تهدیدات اسرائیل، دکتربن هسته‌ای ایران را در معرض تغییرات تاکتیکی قرار داده این بخش از مصاحبه کمال خرازی است که شرایط تغییر راهبرد ایران را توضیح می‌دهد. رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران معتقد است «در صورتی که رژیم صهیونیستی جسارت کند و به تأسیسات هسته‌ای ایران لطمه بزند، سطح بازدارندگی ما متفاوت خواهد شد. ماتصمیمی برای تولید بمب هسته‌ای نداریم. اما اگر موجودیت ایران تهدید شود، ناچاریم دکتربن هسته‌ای خود را تغییر دهیم. اخیرا مقامات نظامی هم اعلام کردند که اگر اسرائیل بخواهد به تأسیسات هسته‌ای حمله‌کند تجدیدنظر در دکتربن و سیاست‌های هسته‌ای ایران و عدول از ملاحظات اعلامی گذشته محتمل و قابل تصور است.» این قسمت از مصاحبه از آنجا اهمیت دارد که به شرایط تغییر دکتربن هسته‌ای ایران پرداخته شده و آغاز گام‌های اجرایی آن به تهدید «موجودیت ایران» گره خورده است. آن گونه که خرازی اشاره کرده مقامات سیاسی و نظامی کشورمان بر معناییاتی تأسیسات هسته‌ای دارند. به مثابه نقطه‌ای از موجودیت ایران اشتراک نظر داد. از این رو کارشناسان سیاسی معتقدند حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای آغاز گام‌های اجرایی اولیه برای ساخت سلاح اتمی به منظور ارتقای سطح بازدارندگی در برابر کشورهایی خواهد بود که اراده آنها به مواجهه با موجودیت ایران است. این سیاست ایران از آنجا اهمیت دارد که «ساخت» سلاح اتمی از «کاربرد» آنکه مغایر بافتوای مذهبی شیعیان است تفکیک شده و ظرفیت ساخت سلاح اتمی برای ایجاد توانمندی بازدارندگی از سوی مقامات ارشد سیاسی جمهوری اسلامی را هر حمله نظامی به زیرساخت‌های هسته‌ای معنا می‌کند. علاوه بر این، زمان آغاز چنین فرایندی به نحوه رفتار دشمن و شخصاً رژیم اسرائیل مرتبط شده است. کمال خرازی دراین ارتباط معتقد است «تا به حال بازدارندگی را در سطح متعارف تجربه کردیم، اگر آن‌ها بخواهند به توانایی‌های هسته‌ای ایران ضربه بزنند، طبیعتاً می‌تواند موجب تغییر دکتربن هسته‌ای ایران شود» موضوعی که به نظر می‌رسد با اطلاع از چنین محاسبه بازدارنده‌ای، رژیم اسرائیل در پاسخ به حمله موشکی ایران صرفاً به یک پایگاه نظامی حمله کرد. رئیس شورای روابط خارجی در توصیف این حمله، آن را نه یک حمله نظامی بلکه آزار و اذیت توصیف می‌کند و می‌گوید «کوآدپوتر آن‌ها نتوانست آسیبی وارد کند. این اقدام علیه تأسیسات هسته‌ای ایران نیز نبود، بلکه می‌خواستند صرفاً پیکی از پایگاه‌های نظامی را هدف قرار دهند» هشدارهای ایران به کشورهایی که در وضعیت غیررسمی جنگی با او قرار دارند نشان می‌دهد تلاش سیاستمداران ایرانی بر پیش‌بینی پذیر کردن تصمیمات آنها باهدف کاهش هزینه‌های هر تصمیم بازیگران خاورمیانه است. به عبارت دیگر آگاهی از رفتار ایران نشان‌ن مهمی از محاسبه‌پذیر شدن کنشگری این در نظام بین‌الملل به مثابه بازیگری معقول است. آن چنانکه خرازی در توصیف رفتار ایران قبل از حمله موشکی به اسرائیل به آگاهی دادن ایران به امریکایی‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «صرفاً هدفمان این بود که مراکز نظامی رژیم آمریکا و کنشورهای منطقه اطلاع دادیم که این عملیات انجام می‌گیرد و محدود خواهد بود.» در چنین شرایطی باید دید آمریکا و اسرائیل در برابر امکان‌ها و ظرفیت‌های اثرگذار بر دکتربن سیاسی و نظامی ایران چه رفتاری خواهند داشت؟ آیا از سوی غربی‌ها دیپلماسی جایگزین میدان خواهد شد؟